

## عنوان مقاله:

مسئله حیات در فلسفه ابن سینا: بررسی انتقادی دیدگاه تاوارا

## محل انتشار:

دوفصلنامه حکمت سینوی (مشکوه النور)، دوره 26، شماره 68 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

## نویسندگان:

حسین زمانیها - استادیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

محمد حسین مدد الهی - دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

## خلاصه مقاله:

بحث درباره حیات و چیستی آن، یکی جنجالی ترین مباحث بین رشته ای در میان محققان است که فلاسفه نیز از نگاه خود بدان پرداخته اند. ابن سینا از اولین فیلسوفان اسلامی ای است که در آثار خویش به این بحث پرداخته و به مشکل اساسی تعریف حیات اشاره کرده است. تاوارا به عنوان یکی از معدود پژوهشگرانی که به بحث حیات در آثار ابن سینا پرداخته، بدون توجه به مشکل اساسی موجود در تعریف حیات نتیجه گرفته شیخ الرئیس در آغاز فعالیت فلسفی خود، با تعریف حیات به عنوان تغذیه و نمو، گیاهان را جزء موجودات زنده قلمداد کرده است؛ اما در ادامه و در سیر تکامل فکری خویش با عرضه کردن تعریف دیگری از حیات و یکی دانستن آن با ادراک و حرکت ارادی، از این نظر روی گردانده و گیاهان را از دایره شمول موجودات زنده خارج کرده است. در مقاله حاضر با استفاده از روش تحلیل مفهومی و تحلیل متن، نخست، دیدگاه تاوارا را نقد کرده ایم. مهمترین نقدهای مطرح شده درخصوص نظر وی عبارت اند از: برداشت ناقص از متن ابن سینا؛ توجه نکردن به مشکل اساسی تعریف حیات در فلسفه ابن فیلسوف؛ نبود تکامل زمانی و تاریخی در تعریف حیات در فلسفه بوعلی. پس از آن، در افقی گسترده تر، مسئله حیات در فلسفه شیخ الرئیس را بررسی کرده و نتیجه گرفته ایم وی در آثار خویش، نه دو تعریف، بلکه پنج تعریف متفاوت را درباره حیات به دست داده است و این تعاریف را نمی توان حاصل یک سیر تکاملی در بستر زمان دانست؛ بلکه بازگشت این تعاریف متعدد به مشکل اساسی موجود در تعریف حیات است که بوعلی تا پایان زندگی فلسفی خود با آن مواجه بوده است.

## کلمات کلیدی:

حیات، تغذیه، حرکت ارادی، گیاهان، ابن سینا، آکیهیرو تاوارا

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1879386>

